



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

روز چهارشنبه هفته‌گذشته (۷ آذر، ۲۷ نوامبر) هم‌زمان با اجرای آتش‌بس میان لبنان و رژیم صهیونیستی تروریست‌های وابسته به دولت رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه از مناطق تحت تسلط خود در شمال حلب به مناطق تحت کنترل دولت سوریه در این استان حمله کردند. تروریست‌ها دیروز (۹ آذر، ۲۹ نوامبر) در روز سوم حمله خود به حومه شهر حلب، مرکز استان رسیدند. علاوه بر حملات شبه‌نظامیان، هسته‌های هفخته این گروه‌ها در داخل مناطق تحت کنترل دولت سوریه نیز دست به اقدام علیه مواضع دولتی می‌زنند. شدت حملات و توطئه چیده‌شده به میزانی بالاست که تعداد زیادی از سربازان ارتش سوریه در این حملات به شهادت رسیده یا اسیر شده‌اند. در این میان روسیه هم تلفاتی داشته است. در تحولی مهم روز پنجشنبه (۸ آذر، ۲۸ نوامبر) سردار کیومرث پوره‌اشمی، معروف به «حاج‌هاشم» از مستشاران ارتشد نظامی ایران در سوریه به شهادت رسید. گفته می‌شود او فرمانده نیروهای محور مقاومت در دفاع از شهر بوده است. علی‌رغم پیشروی‌های سریع و ضربات سنگینی که تروریست‌ها به مواضع نیروهای دولتی و حامیان آن وارد کرده‌اند، اعزام نفرات جدید و ارسال حجم بالایی از تسلیحات از مناطق مختلف سوریه به حلب از شدت بحران کاسته است. با تزریق این نیروها به یگان‌های مدافع و همچنین حملات فشارشکن در اراضی تحت کنترل مخالفان، تروریست‌ها شانس‌ی برای تثبیت مناطق تصرف شده نخواهند داشت. اهمیت حلب را نمی‌توان محدود به این استان یا سوریه دید، به‌ویژه آنکه منطقه در چهاردهمین ماه جنگ میان محور مقاومت و رژیم صهیونیستی است. بر همین اساس، در این گزارش به اهداف طرف‌های مختلف حاضر در تحولات پرداخته شده است.

اهداف بلندمدت ترکیه ناشی از روندهای داخلی

ترکیه در خصوص تحکراتش در سوریه و عراق، سنوایق و آزردهایی تاریخی دارد. با توجه به این سابقه در این بخش اهداف بلندمدت ترکیه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بازگرداندن قطعات مرکز

ترکیه، حلب و مناطق پیرامونی آن را بخشی از سرزمین اصلی خود می‌داند. در دوره اوایل دوره عثمانی و اواخر این حکومت نیز این مناطق داخلی و قسمتی از سرزمین مرکزی به شمار می‌رفتند. با آشکار شدن ضعف عثمانی در سال‌های منتهی به جنگ جهانی اول، دیدگاه‌هایی در این حکومت بروز کرد که سرزمین‌های عربی را وصله‌ای ناجور تلقی کرده و خواهان ادامه امپراتوری با الحاق سرزمین‌های ترک‌نشین بود. بر این اساس سرزمین‌های عربی الحاقی تلقی می‌شدند اما سرزمین‌های شمال سوریه و عراق این‌گونه نبوده و عثمانی‌ها آن‌ها را جزئی از مرکز می‌دانستند. با فروپاشی امپراتوری عثمانی دولتمردان این حکومت و ترکیه نوین درصدد باقی ماندن حلب و موصل در دایره کنترل خود بودند.

ترمیم عمق راهبردی

ترکیه با جمعیتی تقریباً برابر با ایران، حدود یک‌سوم آن وسعت دارد. عمق راهبردی کم ترکیه و هم‌زمان به دلیل حضور ده‌ها میلیون کرد با تمرکز بر جنوب شرق این کشور و وجود اد‌عاهای ارمنی بر شمال شرق، تهدیداتی را برای آنکارا آفریده است؛ هرچند تهدیدات ارمنی در این میان جدی نیست. ترکیه برای مقابله چنین مشکلاتی باید درصدد تقویت عمق راهبردی خود باشد، به‌ویژه آنکه قدرت‌های مجاورش مانند روسیه و ایران از چنین عمقی برخوردارند.

احیای امپراتوری

احیای یک امپراتوری نیازمند حکومت بر چند ملت است. ترکیه در شرایط کنونی به‌طور عمده از دو عنصر ترک و کرد تشکیل شده است. در این شرایط و جمع دو قوم در یک کشور، تلقی‌ای از وجود یک امپراتوری وجود نمی‌آورد؛ چه اینکه تمام کردها نیز تحت کنترل ترکیه نیستند. در این وضعیت آنچه به اذهان متبادر می‌شود زندگی کردها زیر سایه یک حکومت تحمیلی است. اگر ترکیه بتواند با سلطه بر شمال سوریه و عراق تمام کردها را تحت کنترل گرفته و عنصر عربی را نیز در حجمی انبوه به شهروندان خود اضافه کند، آنگاه می‌تواند ضمن عبور از اتهام تحمیل حکومت به کردها شکلی امپراتوری به خود بگیرد.

تسلط بر محیط کردی

کردها مهم‌ترین تهدید برای ترکیه‌اند. جدایی طلبی آن‌ها می‌تواند بخش‌های قابل توجهی از ترکیه را از این کشور جدا کند. حضور ترکیه در شمال سوریه و عراق می‌تواند تهدید کردی را در تحت کنترل درآورده و آن را در صورت امکان با تغییرات جمعیتی، تضعیف کند. آنچه ترکیه در شمال سوریه و عراق آن را تا حدودی اجرا کرده است، تقویت عرب‌ها و ترک‌ها در این مناطق بوده تا عنصر کردی تضعیف شود.

جولگری از تغییر محور غرب آسیا

ایران و ترکیه دو قدرت ذاتی غرب آسیا هستند. این دو کشور و محیط پیرامونی شان عمدتاً تحت‌تک‌تگاه حکومتی در منطقه بوده‌اند. دو تختگاه حکومت‌های بزرگ منطقه امداد و محور توسعه متفاوت دارند. محورتوسعه ایران و حکومت‌های ایرانی، جهتی شرقی – غربی دارد و محور توسعه حکومت‌هایی که در جغرافیای ترکیه واقع شده‌اند، از جهت شمالی – جنوبی برخوردار است. ترکیه با توجه به تقویت برنامه‌های ایران و پرزنگ شدن مسیر ایران – مدیترانه درصدد است با تشدید برنامه‌های خود، در برابر این مسیر اختلال ایجاد کند. اگر ترکیه بتواند در جهت محور توسعه شمالی – جنوبی خود به سمت جنوب گام بردارد ضمن تکمیل نقشه توسعه خود مسیر توسعه ایران را مسدود می‌کند.

تقویت اقتصاد

ترکیه در حوزه منابع انرژی و معادن ضعف‌هایی دارد و به همین دلیل برای کسب درآمدهای ارزی بیشتر بر کرد شگرزی، تولید کالا و محصولات کشاورزی و همچنین واسطه‌گری تمرکز کرده است. دستیابی به شمال سوریه و عراق برای ترکیه می‌تواند باعث کنترل بر میادین نفت و گاز این مناطق شده و ضعف منابع این کشور را پوشش دهد. این مناطق برای دیگر شاخه‌های اقتصادی ترکیه نیز سودمندند. به لحاظ تولیدی جمعیت ساکن در این مناطق که سرانه کمتری نسبت به ترکیه دارند، می‌توانند نیروی کار ارزان قیمتی برای شرکت‌های این کشور فراهم آورند. به لحاظ کشاورزی، این مناطق جزء آبادترین نقاط سوریه و عراق بوده و محل عبور دجله و فراتند. از نظر وجود اماکن تاریخی و توسعه گردشگری تفریحی نیز حلب و موصل می‌توانند برای ترکیه آورده مناسبی داشته باشند. آنکارا می‌تواند با کنترل مناطق آباد در شمال غرب آسیا، ثروت کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را برای تفریح و خرید خانه به خود جلب کند؛ کاری که تا به امروز نیز آن را به خوبی انجام داده است.

شراکت و مکافات



موجی شبیه فروپاشی شوروی

روسیه از دست دادن سوریه را برنمی‌تابد زیرا این مسئله می‌تواند به التهابات در قفقاز منجر شود. غرب اما در صدد فریب روس‌ها برای اجرای این هدف است. مسکو یک بار طعم چنین معامله‌ای را چشیده است که نتیجه آن به قول پوتین، بزرگترین فاجعه ژئوپلیتیک قرن بیستم بود. شوروی در اواخر جنگ سرد پذیرفت از شرق اروپا عقب‌نشینی کند، اما این عقب‌نشینی موجی ساخت که به داخل اتحاد کشیده شده و منجر به فروپاشی شوروی شد. معامله سوریه با اوکراین نمی‌تواند امتیازاتی پایدار یا نیمه‌پایدار برای روس‌ها در این کشور ایجاد کند، بلکه با رسیدن امواج آشوب به قفقاز، مسکو ضربه‌ای دوچندان خواهد خورد.

فروکاست به قدرتی منطقه‌ای

روس‌ها پس از فروپاشی شوروی، قدرت جهانی خود را از دست دادند. حضور در سوریه تلاشی برای بازایی این قدرت بود. این کشور تقریباً تنها جایی است که قدرت جهانی روسیه را منعکس می‌کند. در فقدان حضور روسیه در سوریه و ادامه جنگ اوکراین، روسیه به قدرتی محدودتر تبدیل می‌شود.

نگاه مشترک ایران و روسیه

به نظر می‌رسد ایران و روسیه برای جلوگیری از غش مجدد ترکیه به دامان غرب، پاسخی ملایم به آتش افروزی این کشور خواهند داشت. این دیدگاه تا جایی می‌تواند درست باشد، اما اگر فکر بر سقوط حلب و تغییر موازنه قوا باشد، چنین نگاهی صحیح نیست. تهران و مسکو به‌طور مشترک و با تنها ایران پاسخی سهمگین به این تغییر موازنه قوا خواهند داد.

تهدیداتی که دامنگیر ترکیه می‌شود

ترکیه به دلیل ملاحظاتی آتش جنگ در شمال سوریه را برافروخته است، اما این آتش افروزی زیان‌هایی نیز برای آنکارا به همراه دارد.

برملا شدن ارتباط اردوغانیسم و صهیونیسم

بلافاصله پس از آتش‌بس میان لبنان و رژیم صهیونیستی، ترکیه درست در همان روز اجرای آتش‌بس، دستور حمله به ارتش سوریه توسط تروریست‌های مزدورش را صادر کرد. این اقدام به معنای مشغول‌سازی محور مقاومت است که در ۱۴ ماه اخیر در برابر رژیم صهیونیستی صب‌آرایی کرده بود. برجسته شدن ارتباط جریان اردوغان و صهیونیسم ضربه‌ای بزرگ به وجهه او و ترکیه در جهان اسلام است.

ترکیه همچنان در دل ناتو

کشورهای شرقی به‌ویژه روسیه بر روی ایجاد فاصله میان ترکیه و ناتو حساب کرده‌اند. به نظر می‌رسد این دیدگاه باید اصلاح شود زیرا آنکارا به دلیل «مشکلات ظرفیتی» قادر به مقابله با شرق نیست، نه اینکه طبق نگاه شرق در صدد فاصله‌گذاری از غرب باشد. اگر شرق عمق درهم‌تندگی ترکیه در غرب را بالاتر از ارزیابی‌های کنونی خود در نظر بگیرد، آنگاه ترکیه از بسیاری مزیت‌های کنونی‌اش محروم خواهد شد.

تضعیف پیوندهای ترکیه با اخوان المسلمین

نبرد طرفان الاقصی‌راحماس، شاخه اخوان المسلمین در فلسطین کلید زد. از سوی دیگر، در جریان نبردهای منطقه‌ای، حزب جماعت اسلامی لبنان، شاخه اخوان المسلمین در این کشور، دوشادوش مقاومت جنگید.

این در حالی بود که حزب جماعت اسلامی در توطئه علیه سوریه در کنار مخالفان قرار گرفته بود. به نظر می‌رسد جریانات اخوانی با مشاهده خنجری که اردوغان از پشت بر جهان اسلام و شاخه‌های این گروه وارد می‌آورد، روند واگرایی از ترکیه را تشدید کنند.

درس‌هایی برای چین

حوادث کنونی حاوی درس‌های مهمی برای چین است. پکن نمی‌تواند تا اابد با چهره‌ای بی‌تفاوت، مسائل مربوط به خود را مدیریت کند.

مسدود کردن مسیر چین به اروپا

ترکیه درحال ایفای نقشی بر مبنای طرح آمریکا برای مسدودسازی مسیر چین به اروپاست. آمریکا با به آتش کشیدن و ایجاد تنش در منطقه‌ای از فلاتلا تا اوکراین و از سوریه تا یمن، تقریباً دیواری از آتش در برابر مسیر عبور چین به سمت اروپا ایجاد کرده است.

تروریست‌های ترک‌تبار چینی

ترکیه جمعیت از تروریست‌های اویغور و ترک‌تبار چینی را در خاک خود و شمال سوریه به جدیدترین شیوه‌های جنگی و تسلیحات مجهز کرده است. آنهاتشکل‌های سیاسی، فرهنگی و نظامی خود را که در آینده قرار است بر علیه چین به کارگرفته شوند، تحت کنترل و حمایت ترکیه ایجاد کرده‌اند. بر اساس تصاویر منتشرشده، آن‌ها در حملات کنونی به شمال حلب نیز حضور یافته‌اند.

جمع‌بندی مواضع ترکیه

ترکیه در حوزه‌های اهداف بلندمدت و تاریخی ناشی از رویدادهای داخلی، «اهداف ناظر به غرب» و «اهداف فوری»، فشار طبقاتی سنگینی را در حوزه جغرافیایی شمال سوریه و عراق تحمل می‌کند. این فشارها و محتویات آن مانع از انجامد ترکیه در این منطقه می‌شود. به نظر می‌رسد آنکارا قصد دارد با بازی بینابینی و تدریجی میان شرق و غرب و گروه‌های حاضر در منطقه، به شکل خنذه‌ای بر شمال سوریه و عراق سلطه یابد.

اهداف غرب و رژیم صهیونیستی

مجموعه غرب شامل آمریکا، اروپا و حتی رژیم صهیونیستی از تحریک ترکیه به اقدام در شمال سوریه اهداف ویژه‌ای دارند که در ادامه بررسی می‌شود.

۱ **ممانعت بهره‌برداری مقاومت از پیروزی ناشی از آتش‌بس**
با حصول آتش‌بس میان لبنان و رژیم صهیونیستی، برداشت‌ها از این اتفاق حکایت از پیروزی مقاومت داشت. صهیونیست‌ها از اهداف عمده خود در لبنان بازمانده و در برابر یک گروه شبه‌نظامی تن به آتش‌بس دادند. غرب برای آنکه مانع از شکل‌گیری و تقویت دیدگاه‌هایی شود که مقاومت را پیروز جنگ تلقی می‌کنند، ترکیه را تحت فشار قرار داد تا با تحکرات خود در حلب، این نقشه را به اجرا درآورد.

جولگری از بازسازی مقاومت

۲ **هدف فوری آمریکا، اروپا و رژیم صهیونیستی از تحریک ترکیه**
تروریست‌های وابسته به این کشور برای حملات مجدد به ارتش سوریه، جولگه‌ری از بازسازی مقاومت در شامات و متمرکز کردن نیروهای محور به شمال سوریه برای کاهش استقرار در جنوب و مرزهای فلسطین اشغالی است. بزرگ‌ترین دل‌مشغولی غرب و صهیونیست‌ها در حال حاضر، استفاده مقاومت از آتش‌بس برای بازسازی و تقویت خود است.

جدایی افکندن میان ترکیه و شرق

۳ **از نگاه غرب، ترکیه بنا به دلایلی با شرق روابط نزدیکی برقرار کرده که باید این روابط کاهش یابد.** آنکارا به دلیل احساس خطر از افزایش قدرت شرقی‌ها که در مجاورت این کشور قرار دارند، امتیازگیری از غرب و همچنین فشارهای داخلی که گرایشاتی به شرق نشان داده‌اند، به چنین مسیری حرکت کرده است. سران ترکیه نمی‌خواهند در برابر جریانات متمایل به شرق در داخل کشور ایستادگی کنند تا دچار فرسایش نشوند و می‌دانند قادر نیستند در مخالفت جدی با شرق، فشار قدرت‌های شرقی را از فاصله نزدیک تحمل کنند. غرب امیدوار است در جریان تحکرات ترکیه، شرایطی ایجاد شود که روابط این کشور با قدرت‌های شرقی تا حدی تخریب شود که قابل احیا نباشد.

مشغول کردن روسیه

غرب با دو اقدام یعنی حمله به استان کورسک در داخل خاک روسیه و صدور مجوز استفاده از تسلیحات دوپرد برای حمله به خاک این کشور، ضرباتی سنگین به مسکو وارد کرده است. در پاسخ به حمله اوکراین به کورسک، نظامیان کره شمالی به نبرد در این منطقه تزریق شدند و در پاسخ به صدور مجوز استفاده از تسلیحات دوپرد برای حمله به خاک روسیه، مسکو دکترین هسته‌ای خود را تغییر داده و از موشک «آرشنیک» در حمله به تأسیسات اوکراین استفاده کرد. به نظر می‌رسد تحولات سوریه نقش‌ی نیز در پازل فشارهای شدید به روسیه ایفا کند.

معامله‌پذیر کردن روسیه

در شرایطی که ترامپ بارها تا کید کرده در صورت روی کارآمدن به جنگ اوکراین پایان می‌دهد، آمریکا درصدد معامله با روسیه پیش از وقوع این اتفاق است تعدادی از اعضای مؤثر تیم ترامپ، نظرات متفاوتی در خصوص اوکراین ابراز کرده‌اند. به‌عنوان نمونه «ریچارد گرتل» سفیر ترامپ در آلمان که یکی از گزینه‌های وزارت خارجه او بود، از ایجاد منطقه‌ای خودمختار در جنوب شرق اوکراین حمایت کرده است؛ منطقه‌ای خودمختار که در دست روستاییان اوکراینی خواهد بود. با توجه به نیت دولت آئی آمریکا، این کشور می‌خواهد وضعیتی ایجاد کند که در آن مسکو در برابر امتیازاتی در اوکراین، از سوریه دست بکشد. این امتیازات البته نااهم‌طراز خواهند بود. روسیه امتیازات اوکراین را خود کسب کرده و غرب تنها آن‌ها را تا حدی به رسمیت خواهد شناخت اما در مقابل مسکو باید واقعیتی جدید و البته در کوتاه مدت را در سوریه بپذیرد.

دو ماه‌مانده تا رسیدن ترامپ به کاخ سفید، نشان می‌دهد طراحان غربی، نقشه خود برای معامله‌پذیر کردن روسیه را در چنین بازه زمانی‌ای طراحی کرده‌اند.

نگاه روسیه و دام‌ها

تحولات سوریه تأثیر بزرگی بر منافع روسیه دارند. با توجه به درک چنین مسئله‌ای است که دستگاه نظامی روسیه در سوریه مواضع فوری در این خصوص اتخاذ کرده است.

همچنین کنترل ترکیه بر کریدورها می‌تواند درآمد این کشور از واسطه‌گری تجارت را نیز افزایش دهد.

تسلط بر آب

۷ **اگر کشورهای غرب آسیا به دلیل وجود منافع نفتی و گازی قدرت و شهرت دارند، ترکیه تلاش کرده ابزار مشابهی از منابع آبی خود بسازد.** آنکارا با سلطه بر بخش‌های بیشتری از حوزه رود‌های دجله و فرات، می‌تواند تسلط خود را تقویت کند. آن‌ها از طریق اثرگذاری بر آذربایجان و ارمنستان و ابزارسازی در ایران نیز به دنبال کنترل بر منافع آبی منطقه از جمله در ارس و قروباغ هستند.

اهداف ترکیه ناظر به غرب

ترکیه به دلیل مجاورت با اروپا، همواره ارتباطات نزدیکی به غرب داشته و متاثر از تحولات این مجموعه است. پس از پایان جنگ جهانی دوم، ترکیه تصمیم گرفت به سمت غرب غش کند و عضویت در ناتو را پذیرفت. آنکارا حیات و امنیت خود را در روابط با غرب جست‌وجو می‌کند و باید هرگونه تحرخش را با این شاخص نیز سنجید.

متحد قابل اعتنا

۱ **ترکیه می‌کوشد با تحکرات وسیع در منطقه، ارزش‌های خود برای اروپا و آمریکا را به دولت‌های غربی اثبات کند.** به همین دلیل آنکارا خود را در معرض سیاست‌هایی با تبعات سنگین قرار می‌دهد تا به‌رغم خود با جلب نظر غرب بتواند در اتصال با فناوری و ثروت این مجموعه منافعی را تأمین کند.

واسطه‌گری امنیتی

۲ **ترکیه به دلیل نفوذ در کشورهای ترک‌زبان نظر ناتو را به خود جلب کرده تا مجری این مجموعه برای گسترش نفوذش باشد.** آن‌ها خواهان تکرار این نفوذ در جهان عربند تا بتوانند این ماموریت در محیط عربی را نیز برعهده بگیرند.

اهداف فوری

اردوغان از صدور دستور حمله به تروریست‌های وابسته به خود اهدافی فوری دارد که به شرح ذیلند:

تضعیف محور مقاومت

۱ **ترکیه خود را در هرگونه تضعیف محور مقاومت ذی نفع می‌داند.** در شرایطی که جنگ ۱۴ ماهه آسیب‌هایی را متوجه گروه‌های مقاومت به‌ویژه در شامات کرده است، ترکیه در زمان حصول آتش‌بس در لبنان، به دنبال آسیب به سوریه است تا از بازسازی مقاومت جلوگیری کند.

نجات رژیم صهیونیستی

۲ **بر اساس ماموریتی از سوی ناتو و همچنین جلوگیری از برهم خوردن توازن قوا در منطقه، اردوغان درصدد نجات رژیم صهیونیستی است.** به‌رغم سران ترکیه، در فقدان حضور قدرتمندانه تل‌آویو در منطقه، تهران قدرت زیادی می‌یابد و آنکارا از مواهب خنثی‌سازی این دو به دست یكدیگر، محروم می‌شود.

امتیازگیری از روسیه و ایران

۳ **اردوغان ماجرای تروریست‌های وابسته به خود در سوریه را هم فال و هم تماشا می‌داند.** به‌رغم او اگر فشارهای روسیه و ایران زیاد شود و احتمال بروز زیان سنگین ضد ترکیه ایجاد شود، آنکارا می‌تواند با اخذ امتیازات از این دو کشور، شعله‌های تنش در شمال سوریه را خاموش کند.

قدرت‌نمایی و جریان عقب‌ماندگی در برابر ایران

۴ **ترکیه هنوز تحولات ۱۴ ماه‌گذشته که عرصه بازیگری محور مقاومت بوده را هضم نکرده است.** این مسئله به‌طور ویژه با دو عملیات وعده صادق ۱ و وعده صادق ۲ مرتبط است. بی‌جهت نیست که ترکیه در هفته‌های اخیر اقدام به آزمایش پرتاب راکت‌های هواپرتاب از پهپاد‌های آکینچی ۲ زد. این آزمایش بیشتر از آنکه از الزامات نظامی ناشی نشود، از حرص قلبی نشئت می‌گرفت. آنکارا عمیقاً از تحولات رخ داده و قدرت‌نمایی ایران، آتشی در انتهای وجود خود احساس می‌کند.

بازسازی سد خونین میان بخش‌های مختلف جهان اسلام

۵ **برخی از جریانات اسلام‌گرای منطقه که در دهه‌های اخیر با اشتیاب محاسباتی وارد درگیری داخلی در جهان اسلام شده بودند، درحال اصلاح مواضع خودند.** اردوغان نیز که خود راتحت تأثیر دیدگاه‌های اسلام‌گرایانه در داخل و محیط پیرامونی ترکیه قرار داده، از تبعات این تحول برکنار نیست. جنگ طرفان الاقصی جهتی ضد صهیونیستی به این جریانات داده و آن‌ها را در کنار محور مقاومت نشانده است. ترکیه و دیگر ذی‌نفعان در انحراف جریانات اسلام‌گرا، درصدد با برافروختن فوری منازعه بتوانند مجدداً سدی از خون میان مسلمانان ایجاد کنند. به‌رغم اردوغان این حرکت می‌تواند مانع اصلاح دیدگاه جریانات اسلام‌گرا شود.